

Explaining the Concept of "Intimacy of Space" and Its Components

Mahdie Hashemi¹  | Mehrdad Soltani² 

1. Department of Architecture, Faculty of Engineering, Zanjan University, Zanjan, Iran, mahdieh.hashemi@znu.ac.ir

2. Faculty Member, University of Zanjan. m_soltani@znu.ac.ir

Article Info:

Article type:
Research Article

history:
Received:
2024/8/28

Received:
2024/10/3

Accepted:
2024/11/9

Published:
2025/2/3

Keywords:

Intimacy, Space,
Intimacy of Space,
Interactions,
Urban Space.

Abstract: Problem Statement : The modern world is characterized by constant transformation and change. In contemporary times, phenomena such as the rise of the information society, enhanced communication, and participatory activities have redefined many aspects of urban life. These developments can sometimes lead to ambiguity in identifying appropriate solutions in design and urban planning. Therefore, focusing on citizen satisfaction and their sustained engagement in urban spaces becomes essential for fostering social cohesion. In this context, attention to the evolution of design paradigms, contemporary perspectives, emerging innovations, and the identification of effective, sustainable approaches in architectural spaces can offer logical pathways to navigate such complexities. Objective: This research aims to establish a new evaluative criterion to address uncertainties in the design of collective spaces—specifically to enhance spatial quality and promote social interactions. The concept of "intimacy of space" is introduced as a novel framework for assessing the desirability of collective environments. Research Question: What is the "intimacy of space"? What factors influence it? And how can it contribute to fostering interactions in collective spaces? Research Methodology: This study adopts a qualitative approach, beginning with an exploration of the concept of intimacy in psychology and extending it to spatial and architectural contexts. Based on this interdisciplinary analysis, the concept of intimacy of space is defined and categorized using psychological and architectural theories. The study also investigates its relationship with human behavior, communal lifestyles, engagement with architectural environments, and the influence of cultural surroundings . Conclusion: The findings of this research suggest that the intimacy of space can serve as an effective framework for revitalizing urban environments and enhancing social interactions. This concept reflects a deep emotional and psychological connection between space and its users, materializing in spatial qualities such as a sense of belonging, legibility, and comfort (or coziness). These attributes, in turn, encourage meaningful interactions between individuals and their built environment.

Cite this article: Soltani, M. Hashemi, M. (2025) Explaining the Concept of "Intimacy of Space" and Its Components, Architectural & Environmental Research 2(3), 91-120.
<https://doi.org/10.30470/jaer.2025.2049129.1170>
© The Author(s).

Homepage: jaer.znu.ac.ir

Publisher: University of Zanjan





تبیین مفهوم «صمیمیت فضا» و مؤلفه‌های آن

مهديه هاشمی^۱ | مهرداد سلطانی^۲

۱. کارشناس ارشد معماری، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه زنجان. mahdiah.hashemi@znu.ac.ir

۲. استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه زنجان. m_soltani@znu.ac.ir

اطلاعات مقاله:

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ‌ها:

دریافت: ۱۴۰۳/۶/۷

بازنگری: ۱۴۰۳/۷/۱۲

پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۱۹

انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

واژگان کلیدی:

صمیمیت، فضا، صمیمیت فضا، تعاملات، فضای شهری

چکیده: جهان امروز، جهان تحول و دگرگونی‌هاست و یکی از دگرگونی‌های عصر حاضر در مفاهیمی چون جامعه‌ی اطلاعاتی، ارتباطی و فعالیت‌های مشارکتی و جمعی رخ داده است. این موضوع در زمینه‌ی طراحی و شهرسازی گاهی موجب سردرگمی در تعیین راه‌حل‌ها می‌شود. لذا توجه به مقوله‌ی رضایت‌مندی و دوام حضور شهروندان از عناصر اصلی همبستگی اجتماعی است. بر این اساس، توجه به تحولات دنیای طراحی، دیدگاه‌های امروز و دستاوردهای جدید و به دنبال آن یافتن مفاهیم و رویکردهای مؤثر و پایدار موجود در فضای معماری برای راه‌هایی از پیچیدگی‌ها می‌تواند راه‌حلی منطقی باشد. هدف اصلی پژوهش، یافتن معیاری برای حل سردرگمی‌ها در طراحی فضاهای جمعی در جهت ارتقاء کیفیت فضا و افزایش تعاملات است و "صمیمیت فضا" به عنوان معیاری جدید در مطلوبیت فضاهای جمعی تبیین می‌گردد. سؤال اصلی پژوهش این است که صمیمیت فضا و عوامل مؤثر بر آن چیست و چگونه می‌تواند بر ایجاد تعاملات در فضاهای جمعی مؤثر باشد؟ روش پژوهش به صورت کیفی، با تحلیل مفهوم صمیمیت در حوزه‌ی روان‌شناسی و تعمیم آن به حوزه‌ی فضا و معماری انجام شده است. بر این اساس، مفهوم صمیمیت فضا بر مبنای نظریات روان‌شناسی و معماری تعریف و طبقه‌بندی می‌شود و رابطه‌ی آن با انسان، روش زندگی جمعی و نحوه‌ی تعامل با محیط معماری و خصیصه‌های فرهنگی پیرامونش تبیین می‌شود. نتایج اصلی این پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم صمیمیت فضا به واسطه‌ی توانایی در ارائه‌ی راهکارهای مؤثر در زنده‌سازی فضای شهری و افزایش تعاملات اجتماعی، نقش مهمی در شکل‌گیری و افزایش کیفیت فضاهای جمعی دارد. صمیمیت فضا حاصل ارتباطی عمیق است که میان فضا با انسان شکل می‌گیرد و به عنوان ویژگی‌ای در فضا به واسطه‌ی تعلق‌پذیری، خوانایی و راحتی (دنجی) در مخاطبان ایجاد می‌گردد و منجر به ارتقاء تعاملات میان افراد و فضا می‌شود.

استناد: هاشمی، مهديه، سلطانی، مهرداد (۱۴۰۳). تبیین مفهوم «صمیمیت فضا» و مؤلفه‌های آن. پژوهش‌های معماری و محیط، ۳۲(۳)، ۹۱-۱۲۰.

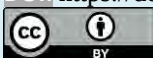
<https://doi.org/10.30470/jaer.2025.2049129.1170>

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه زنجان

Homepage: jaer.znu.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.30470/jaer.2025.2049129.1170>



مقدمه

امروزه به دلیل تحول و دگرگونی در دنیای ارتباطات، توجه به نیاز شهروندان و رضایت از فضاهای شهری از عناصر اصلی تعاملات اجتماعی است. توجه به مقوله‌ی رضایتمندی از محیط، یکی از عناصر اساسی نظم، وفاق و همبستگی اجتماعی است (غفوریان و حصاری، ۱۳۹۵ به نقل از مجیدی، منصوری، صابر نژاد، براتی، ۱۳۹۸، ۴۶) و باعث افزایش کیفیت زندگی، حس دلبستگی به مکان، پیوندهای اجتماعی و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی خواهد شد (Bonaiuto et al., 2003). به نقل از بهرام‌پور و مدیری، ۱۳۹۴). بنابراین برای ارتقاء تعاملات، به نیاز انسان در فضای جمعی و معماری انسان‌گرا بایستی توجه کرد. الکساندر (۱۹۷۹) در راستای خلق فضا برای زندگی بهتر مطرح کرد که توجه به انسان و نیازهایش به عنوان اولین گام در خلق فضای معماری است. به بیان وی، هر انسانی وقتی زنده است که آرامش خاطر داشته باشد. به عبارتی، راحتی و آرامش برای حضور در هر فضایی به معنای زنده بودن آن فضا و تأمین نیاز آدمی است. نیازهای فردی به

عوامل مختلف درونی و بیرونی افراد، همچون سیستم ارزشی فرد در ارتباط با مراحل زندگی در دوره‌های مختلف (Elder, Johnson & Crosnoe, 2003)، همچنین اهداف وی برای فضای خاص (Canter, 1997: 202) به نقل از (Shin, 2016) وابسته هستند.

امروزه، ارتباط میان انسان‌ها از طریق فضای مجازی به سرعت در حال گسترش است و این موضوع موجب از میان رفتن پیوند فیزیکی اجتماعی می‌شود. لذا توجه به این پیوند به صورت افزایش تعامل فیزیکی و حقیقی ارتباطات در عصر حاضر ضروری است و برقراری ارتباط با دیگران بدون توسعه‌ی کمی و کیفی فضاهای جمعی و توجه به ویژگی‌های آن غیرممکن است. لذا ابعاد کیفی فضاهای شهری از نقطه‌نظرات مختلف چون هویت فضا، روح مکان و حس مکان در سال‌های اخیر از سوی صاحب‌نظران مطرح شده است. اما یکی از مفاهیمی که می‌تواند در این خصوص مورد توجه قرار گیرد، "صمیمیت فضا" است. چراکه فرضیه‌ها و نتایج احتمالی نشان می‌دهد که صمیمیت فضا با ایجاد ارتباط عمیق میان فضا و

انسان، ویژگی اصلی یک فضای جمعی همچون تجمع، حضور و ارتقاء تعاملات را هدف قرار می دهد و در راستای تعامل با محیط معماری، رابطه ی آن با انسان و روش زندگی جمعی را تبیین می کند.

بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش یافتن معیاری در طراحی معماری فضاهای جمعی در راستای ایجاد کیفیت و ارتقاء تعاملات است و با این نگرش، "صمیمیت فضا" به عنوان معیاری جدید در معماری مطرح می شود.

سؤالات پژوهش

در راستای تحقق حضور در فضاهای جمعی و به تبع آن زنده سازی شهرها، سؤالاتی مطرح می شوند که می توان با پاسخ به آن ها راه مناسبی برای حل این مسئله به دست آورد:

صمیمیت فضا و عوامل مؤثر بر آن چیست؟

چگونه صمیمیت فضا می تواند بر ایجاد تعاملات در فضاهای جمعی مؤثر باشد؟

فرضیه پژوهش

صمیمیت فضا مؤلفه ای در راستای ارتقاء مطلوبیت در معماری و به طور مشخص در شکل گیری فضاهای جمعی است و میان صمیمیت فضا و فضای شهری، به دلیل نقش آن در ارائه ی راهکارهایی برای زنده کردن فضا و افزایش تعاملات و کیفیت فضاهای جمعی، ارتباط معنی داری وجود دارد. بر این مبنا، با کنکاش در معیارهای ارزیابی مفهوم "صمیمیت" در علوم انسانی، می توان معیارهای ارزیابی "صمیمیت فضا" در ادبیات معماری را به دست آورده و ویژگی های آن را تبیین نمود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع بنیادی-کاربردی است که پس از تبیین چهارچوب نظری، با گردآوری مطالب از حوزه ی ادبیات علوم انسانی به صورت استنادی، ادبیات مربوط به فرضیات تحقیق مرور می شود و نتایج با تجزیه و تحلیل به صورت توصیفی ارائه می شود. بر این اساس، ابتدا به صمیمیت به عنوان یک ویژگی شناخته شده در ارتباطات انسانی پرداخته شده و پس از طبقه بندی اطلاعات به دست آمده،

شاخصه‌ی غیرعینی مطرح شده و از میزان حضور کودکان، بانوان و سالخوردگان به عنوان یک معیار سنجش نام می‌برد. حمایت از فعالیت‌های اجتماعی یکی از ویژگی‌های فضاهاى جمعی موفق و بهترین فرصت برای تعامل است و پژوهش حاضر به دنبال ویژگی‌هایی از فضای جمعی است که به واسطه‌ی خلق آن‌ها در فضا، تعاملات و روابط اجتماعی افراد افزایش می‌یابد.

در خصوص ابعاد کیفی فضای جمعی، مفاهیمی چون هویت فضا، روح مکان و حس مکان در سال‌های اخیر مطرح شده است. بر طبق دیدگاه‌ها، رفتارها و ارزش‌های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان و حس مکان نیز بر ارزش‌ها و نگرش‌ها تأثیر می‌گذارد و افراد معمولاً در فعالیت‌های اجتماعی با توجه به چگونگی حس مکان‌شان شرکت می‌کنند (Canter, 1971). پس ویژگی‌های مکان و دریافت حسی که افراد از مکان‌های مختلف دارند بر حضور، فعالیت‌ها و روابطشان تأثیر می‌گذارد.

از دیدگاه روان‌شناسی محیطی،

ویژگی‌های این مفهوم در فضای معماری در قالب صمیمیت فضا تبیین می‌شود. لذا پژوهش، با تحلیل محتوای مفهوم صمیمیت در حوزه‌ی روان‌شناسی و تعمیم آن به حوزه‌ی فضا و معماری انجام شده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر از دو مفهوم صمیمیت فضا و فضای جمعی در شهر تشکیل شده که هر یک در مواردی موضوع تحقیقات و پژوهش‌های متعددی بوده‌اند. شجاعی و پرتوی (۱۳۹۴: ۹۵) در پژوهش خود دریافتند که محققان اجتماع‌پذیری و ویژگی‌های اجتماعی را یکی از عوامل اساسی در فضاهاى عمومی می‌دانند: از جمله می‌توان به مطالعه‌ای که در کشورهای مختلف دنیا بر بیش از ۱۰۰۰ قطعه فضای جمعی شهری انجام شده، اشاره کرد که بر طبق نتایج آن، ۴ معیار مهم: دسترسی و به هم پیوستگی، آسایش و تصویر ذهنی، فعالیت‌ها و اجتماع‌پذیری در موفقیت فضاهاى عمومی مؤثرند. در ارتباط با اجتماع‌پذیری به عنوان یک مؤلفه‌ی اصلی، تنوع به عنوان یک

نیست. بر این اساس، تعریف صمیمیت فضا به عنوان ویژگی ای از فضا که بتواند بار معنایی لازم برای دریافت مؤثر از فضاهای جمعی در سطح شهر با مؤلفه های تعلق پذیری، خوانایی و راحتی و دنجی داشته باشد، اهمیت دارد.

در خصوص صمیمیت، ابعاد کیفی فضای جمعی چگونگی برقراری روابط صمیمانه را تبیین می کند و طبق پیشینه ی ادبیات پژوهش، خود عبارت "صمیمیت فضا" در متون یا اشعار و ادبیات فارسی تا به حال استفاده نشده است. با این حال، می توان "صمیمیت فضا" را به عنوان عبارتی جدید در ادبیات تخصصی معماری معرفی کرد و با توجه به اینکه فضاهای عمومی شهری به مثابه واحدی جغرافیایی برای تمرکز کنش متقابل صمیمانه می باشد، بررسی صمیمیت در معماری فضاهای جمعی در ذیل نظریه ی حس مکان به عنوان مؤلفه ای جدید در لایه های ارتباطی انسان با مکان در حوزه ی شهری، در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار می گیرد

مبانی نظری پژوهش

انسان ها به تجربه ی حسی و عاطفی خاص نسبت به محیط زندگی نیاز دارند. این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی هم ذات پنداری با مکان قابل تحقق است. روند تجربه ی عمیق مکان نه به عنوان یک شیء، بلکه به عنوان یک ارگانیسم زنده، پس از انطباق های متقابل محقق می شود. از این رو، روابط بین افراد و مکان ها نیازمند ثباتی خاص است. محیط این ویژگی ها را از طریق ترکیب نظم طبیعی و بشری کسب می کند (فلاحت، ۱۳۸۵، ۵۹). در نتیجه، رویکرد روان شناسی محیط را به دلیل تلاش محیط برای تعامل صمیمی با محیط، می توان همسو با "صمیمیت فضا" در نظر گرفت و مؤلفه های صمیمیت در یک مکان معماری را بر مبنای حس مکان نیز تعریف کرد.

بنابراین، یکی از مفاهیمی که در فضاهای جمعی می تواند مورد توجه قرار گیرد، "صمیمیت فضا" است. چرا که در حس مکان، به عنوان رویکردی مفهومی، ویژگی های کلی مکان برای دریافت حسی و ارتباط با فضا مطرح است و تنها شامل مؤلفه های مورد نظر در فضاهای جمعی

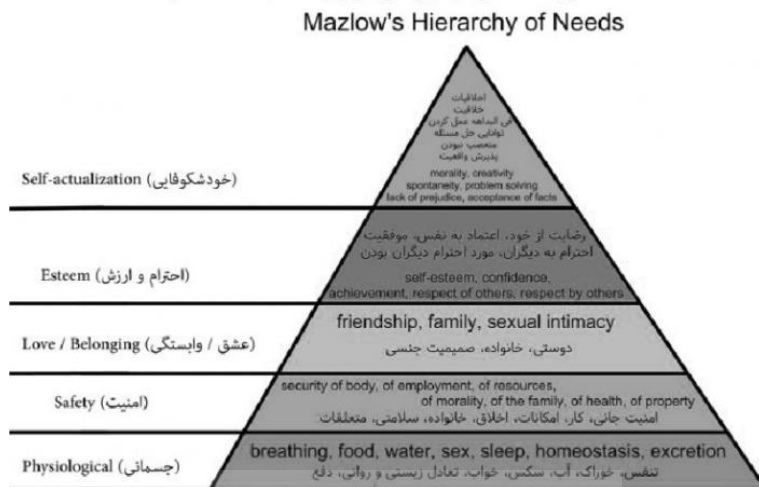
صمیمیت^۱ در روابط و ابعاد آن

بسیاری از روان‌پزشکان و روان‌شناسان معتقدند که از نظر روانشناسی و رشد عقلی و عاطفی، انسان در طول زندگی خود از دوران کودکی تا کهنسالی از مراحل عبور می‌کند. چنانچه نیازهای هر مرحله به درستی پاسخ داده نشود، انسان دچار کمبود و سردرگمی می‌شود. روانشناسی در اوایل تکامل خود به عنوان یک علم، بیشتر به بیماری‌ها، ترس‌ها و خشم‌ها توجه داشت تا به سلامت، شهامت، محبت و عشق. روان‌شناسان در گذشته تأکید چندانی بر کمک به مردم برای شادتر بودن، نوع دوست بودن، امیدوارتر بودن و عاشق تر بودن نداشتند (باقری و شاهرودی، ۱۳۹۳، ۶۴). اما امروزه در روانشناسی، ویژگی‌هایی مانند مهرورزی، عشق و دلبستگی که احساسات مثبتی در افراد برمی‌انگیزند، اهمیت یافته‌اند. دریافت این پیام‌ها به طور هم‌زمان ادراک را در انسان به وجود می‌آورد و حس هیجان، راحتی، ارزشمندی، زیبایی یا حس متضاد آن‌ها توسط انسان درک می‌شود. ادراک،

بازخورد لازم برای هدایت رفتار را ایجاد می‌کند و در نهایت، احساس و ادراک، قابلیت و ظرفیت احساسات را شکل می‌دهند (باقری، ۱۳۹۱، ۵۲). بر این اساس، مقوله‌ی راحتی و آرامش درونی و محیطی، تأثیر مثبتی در شکل‌گیری تعاملات و صمیمیت دارد.

نگرش دالایی لاما، از رهبران بودایی تبت، به صمیمیت و مهربانی به عنوان بستر شادکامی، فرامذهبی است. وی عشق و صمیمیت را به عنوان یک اصل مشترک برای زندگی روزمره ضروری و مسیر الگوی هستی می‌داند (دالایی لاما و کاتلر، ۱۳۸۷، ۵۴). وی معتقد است: «تمامی مذاهب بزرگ در تأکید بر صلح و دوستی نظر مشترکی دارند، اما مهم این است که ما بتوانیم صلح و دوستی را جزو اصول زندگی روزانه‌ی خود قرار دهیم» (آذربایجانی و فیضی، ۱۳۹۳، ۱۲۲). بنابراین، دوستی و رابطه با افراد از اصول و

نیازهای زندگی افراد به شمار می آید.



تصویر ۱- هرم سلسله مراتب نیازهای مازلو، ماخذ: آبراهام هارلد مازلو (۱۹۵۴)

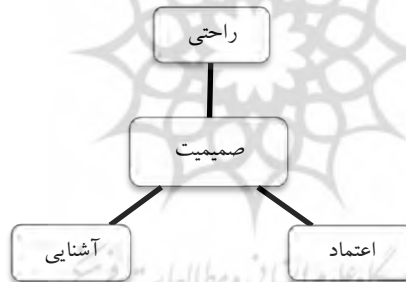
برقراری روابط دوستانه تأثیرگذار است. صمیمیت نیز به عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان، در حقیقت جنبه‌ی رشد یافته و متمایز نیاز زیستی نزدیکی و ارتباط با انسانی دیگر است و شدت آن در افراد مختلف متفاوت است

دلایلی لاما نیز مانند روان‌شناسان، با تکیه بر تأثیر عوامل ذهنی، به توجیه آن نسبت به عوامل محیطی پرداخته و با این که معتقد است محیط زیست عاملی مهم در ایجاد چارچوب شادمانه‌ی روحی است، اما نوع نگرش مثبت یا منفی فرد را تعیین‌کننده‌ی شرایط می‌داند؛ چرا که اگر

یکی از معتبرترین الگوهای نیاز در روانشناسی، نظریه‌ی مازلو است که نیازهای اساسی را به صورت سلسله‌مراتبی مطابق تصویر ۱ مرتب کرده است.

تنها وقتی نیازهای سطح پایین ارضا شوند، مجموعه‌ی نیازها اهمیت پیدا می‌کنند. مردم وقتی به نیازهای ایمنی می‌پردازند که نیازهای زیستی آن‌ها ارضا شده باشد. همین‌طور قبل از این که سراغ نیازهای تعلق‌پذیری و عشق بروند، نیاز به ایمنی آن‌ها باید ارضا شود (فرانکن، ۱۳۸۸، ص ۴۸ و ۴۹). بنابراین، حس امنیت و اعتماد به عنوان نیاز و مؤلفه‌ای در

هم است و هسته‌ی اصلی این فرایند، آشنایی، درک و پذیرش طرف مقابل بر مبنای اعتماد و احساس راحتی برای درمیان گذاشتن درونی‌ترین خود با دیگران است. با توجه به تعریفی که از مفهوم صمیمیت به عمل آمد، بر طبق تصویر ۲، سه متغیر آشنایی، اعتماد و راحتی به ترتیب بیشترین تأثیر را در ایجاد این حس دارند. برای تبیین این ادعا، در ادامه به بررسی ارتباط این متغیرها با مفهوم صمیمیت پرداخته می‌شود.



تصویر ۲. مؤلفه‌های اصلی صمیمیت در روابط افراد. مأخذ: نگارندگان

حس غریزی است. تصور ذهنی به انسان می‌گوید: «قبلاً در موقعیت مشابه زنده مانده است، پس امتحان آن این بار هم مشکلی ایجاد نمی‌کند و در امان خواهد بود» (حسینی، ۱۳۹۶). انسان با هر آنچه بیشتر در ارتباط باشد یا بیشتر در مورد آن

نگرش ذهنی درست نباشد، حتی در بهترین شرایط و در کنار بهترین دوستان هم نمی‌توان ارتباط برقرار کرد (دالایی لاما، ۱۳۸۴ ب، ص ۱۲، ۱۳ و ۱۴). بر این اساس، شناخت و نگرش افراد به عنوان گام اول در دوستی و سپس شرایط محیطی، تأثیرگذار در نوع تعاملات است. بنابراین، صمیمیت را می‌توان این چنین تعریف کرد: صمیمیت واقعی، نوعی تجربه‌ی ارتباط در فرایندی تعاملی است که شامل چندین مؤلفه‌ی مربوط به

آشنایی و شناخت^۱

با نگاه از زاویه‌ی روند تکامل، افراد احساس امنیت بیشتری در مقابل شرایطی که آشنا هستند دارند و رفتارهای مثبت و منفی در موارد متفاوت ناشی از همین

بشود، در ذهن ساده و آشنا به نظر می‌رسد و در فرایند شناخت قرار می‌گیرد. از نظر روان‌شناسان، شناخت به فرایند کسب، سازمان‌دهی و استفاده از معلومات ذهنی اطلاق می‌شود (پورافکاری، ۱۳۸۰، ۲۶۸، به نقل از شجاعی، ۱۳۸۶). فلاول معتقد است که شناخت در روان‌شناسی اشاره به فرایندهای روانی دارد که حاصل ذهن آدمی بوده و منجر به «دانستن» می‌گردد. این فرایندها شامل یادآوری، ارتباط‌دادن، طبقه‌بندی کردن، نمادسازی، تجسم یا تصور، حل مسئله و تخیل و رؤیاپردازی می‌شود (محسنی، ۱۳۸۲، ۱۷). بر این اساس، با شناختی که در انسان ایجاد شده، از طریق یادآوری، حس آشنایی و تعلق، به عنوان اولین سطح از روابط انسانی، پایه‌ی صمیمیت با افراد ایجاد می‌شود.

اعتماد^۱

بعد از حس آشنایی، افراد حس امنیت و اعتماد را بعنوان یک عامل اثرگذار در برقراری ارتباط دارند. اعتماد هم در سطح

فردی (بعنوان یک مشخصه در فضای ذهنی فرد) و هم در سطح جمعی (بعنوان بخشی از جو و فرهنگ حاکم بر یک واحد اجتماعی) قابل تعریف است. Mc Alister (1995) در زمره نظریه‌پردازانی است که بین اعتماد شناخت محور^۲ و اعتماد عاطفه محور^۳ تمایز قائل شده است و معتقد است که اعتماد شناخت محور ماهیتاً بر ارزیابی توانایی انجام تعهدات طرف مقابل دور میزند، اما اعتماد عاطفه محور بیشتر مبتنی بر نوعی توجه احساسی^۴ وابسته به مراقبت و توجه است. تصور افراد از توانایی، شایستگی یا صلاحیت طرف مقابل از مهمترین عوامل بر سطح اعتماد آنها است (Gambetta, 1989). شواهد تحقیقی ارائه شده توسط محققان حاکی از آن است که اعتماد موجبات تسهیل روابط، کاهش تعارض و مبادله رضایت‌بخش را فراهم می‌کند (نادی و یارمحمدیان، ۱۳۹۱، ۴۴۷). درواقع به لحاظ نظری بخشی از هویت افراد، هویت اجتماعی^۵ آنهاست

3. Based Affect

4. Emotional Attachment

5. Identity Social

1. Trust

2. Based Cognition

(Worchell S. 1985). به معنای دیگر اغلب انسان‌ها تمایل دارند که خود را براساس تعلق به یک گروه یا نهاد خاص تعریف نمایند. براین اساس یکی از عوامل تاثیرگذار در برقراری ارتباط، لزوم ایجاد حس اعتماد میان افراد است و صمیمیت واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که هر دو طرف احساس امنیت کافی نسبت به برقراری ارتباط و یا آسیب‌پذیری داشته باشند.

راحتی^۱

واکنس‌های افراد در موقعیت‌های مختلف منجر به بروز حس راحتی یا عکس آن می‌شود. شجاعی و پرتوی (۱۳۹۴، ۱۰۰) در پژوهش خود دریافتند که راحتی در دو مفهوم راحتی (راحتی فیزیکی) و حس راحتی (آسایش روانی) قابل تفکیک است: راحتی را در انجام فعالیت‌های پایه مانند، راه

رفتن، نشستن، دیدن و تماشا کردن، گفت و شنود و حس راحتی را در هم‌جواری با طبیعت و عناصر طبیعی و کاهش آلودگی‌های صوتی می‌دانند. بنابراین راحتی از طریق تاثیرگذاری در ویژگی‌ها و فعالیت‌های فردی و گروهی و تاثیرات جوی و پیرامونی ایجاد می‌شود. بنابراین از عوامل ایجاد واکنش‌های مثبت و برقراری روابط با افراد با مؤلفه راحتی امکان‌پذیر است. ولی در این بخش از پژوهش بیشتر جنبه‌های روانی راحتی مطرح است که می‌توان آن را در برابر حس‌هایی همچون تکلف و تقید قرار داد.

موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی جدید همیشه در افراد تردید و تقید ایجاد کرده و دایره‌ی راحتی^۲ را کوچک‌تر می‌کنند (Brené Brown، به نقل از حسینی، ۱۳۹۶). ایده‌آل‌ترین چیز برای به دست آوردن انگیزه بیشتر، محیطی با متعادل‌ترین میزان راحتی برای

کند، در دایره‌ی راحتی او قرار می‌گیرد. هر آنچه بتواند اندکی سطح اضطراب را افزایش دهد، خارج از مرزهای دایره‌ی راحتی فرد انگاشته می‌شود. برای مثال اگر رفتن به سر کار و قرار گرفتن در معرض ترافیک منجر به افزایش اضطراب شما می‌شود و حس راحتی را در شما کاهش می‌دهد، این فعالیت، خارج از محدوده دایره‌ی راحتی شما به حساب می‌آید.

1. Comfort

۲. Comfort Zone: طبق یکی از گویاترین تعریف‌های علمی، قرار گرفتن در دایره‌ی راحتی هر گونه رفتاری را که در آن میزان اضطراب فرد در پایین‌ترین سطح خود نگه دارد، شامل می‌شود: از پخت و پز و شستشوی ظروف گرفته تا ارتباطات کاری یا تماشای تلویزیون. هر فعالیتی که با انجام آن سطح اضطراب فرد به حداقل برسد و فرد به آن فعالیت تمایل داشته باشد یا عادت

بیشترین سطح بازدهی است و اگر فرد زیادی یا کم احساس راحتی کند، کارایی کمتری دارد (Daniel H. Pink، به نقل از حسینی، ۱۳۹۶). با این اساس ایجاد محیطی متعادل، برای کارایی بهتر در ارتباط با فضا و افراد است و راحت بودن با افراد موجب انجام فعالیت های مورد علاقه با فراغبال و بدون حس قضاوت می شود و زمینه شکل گیری روابط و صمیمیت میان افراد را فراهم می کند.

بر طبق تعاریف، مهم ترین عواملی که میان افراد لازمه ی برقراری ارتباط و ایجاد صمیمیت است، می تواند در مفاهیم راحتی، اعتماد، آشنایی و شناخت گنجانده شود؛ تا زمینه ی ایجاد صمیمیت را برای همدلی و همبستگی افراد فراهم کند. جدول ۱ رابطه ی بین مؤلفه ها با حس صمیمیت در روابط افراد را ارائه می دهد.

واژه شناسی: صمیمیت فضا

"صمیمیت" واژه ای است که در گفتمان حوزه های مختلف، به خصوص روانشناسی، به کار برده می شود. صمیمیت در مورد روابط افراد، واژه ای روشن و قبل فهم ولی تا حدی غیر ملموس است و در هر رابطه ای از کیفیت های متفاوتی برخوردار است. در عین

حال، "صمیمیت فضا" عبارتی است که از دو واژه ی صمیمیت و فضا تشکیل شده است. با توجه به پیشینه ی ادبیات فارسی، عبارت "صمیمیت فضا" در متون یا اشعار و ادبیات فارسی تا به حال استفاده نشده است. با این حال، می توان آن را به عنوان عبارتی جدید در ادبیات تخصصی معماری معرفی کرد. اما عبارت صمیمیت فضا واجد معنایی فراتر و متفاوت از صمیمیت است، به دلیل ورود بعدی غیر انسانی در روابط. الحاق عبارت صمیمیت به فضا منجر به معنادار کردن فضا و تبدیل آن به مکانی با هویت ویژه برای تعاملات میان افراد می شود.

در حالت عادی، صمیمیت فضا به معنای "اتم سفر صمیمانه ای" است که به واسطه ی ویژگی های فضا، بر ایجاد رابطه ای صمیمی و دوستانه بین فضا با افراد اثر می گذارد و منجر به حس خوب به واسطه ی حضور می شود. با این حال، مشخص کردن این که چه چیزها و چه ویژگی هایی از فضا بیانگر آن اتم سفر صمیمانه بین افراد و فضا است، نیاز به بررسی دارد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. معنای لغوی واژه ی صمیمیت در فرهنگ فارسی عمید و برابر فارسی آن، در جدول ۲

عنوان گردیده است. اسم ظاهر می‌شوند و با توجه به مروری که بر معنای لغوی واژه‌ی صمیمیت شد، در انگلیسی می‌توان عبارتی را که در جدول ۲ ارائه شده است برای صمیمیت فضا در نظر گرفت و آن را تعریف نمود.

از نظر لغوی، واژه‌ی صمیمیت در زبان انگلیسی به دوستی، نزدیکی شخصی و آشنایی اشاره می‌کند. تعدادی از واژه‌های انگلیسی نیز به صمیمیت اشاره دارند. واژه‌های صمیمیت و فضا از نظر دستور زبان فارسی صرفاً در نقش

مؤلفه ها	توضیحات- تعاریف و نظریه های مرتبط با مؤلفه‌های صمیمیت	منبع	ارتباط مؤلفه با تعاریف صمیمیت
آشنایی	شناخت در فرایند کسب، سازمان‌دهی و استفاده از معلومات ذهنی	پورافکاری، ۱۳۸۰	طبق تعاریف آشنایی و صمیمیت، نگرش مثبت و منفی فرد و زمینه آشنایی وی با موقعیت‌های مختل ف، تعیین‌کننده شرایط و نحوه برخورد او با افراد دیگر؛ در نتیجه: شناخت و نگرش افراد و زمینه آشنایی، جدا از شرایط محیطی، گام اول در دوستی و تعاملات و تاثیرگذار در نوع روابط
	از نگاه روند تکامل: امنیت بیشتر فرد برای ارتباطات در شرایط آشنا	حسینی، ۱۳۹۶	
	شناخت در روان‌شناسی اشاره به فرایندهای روانی، حاصل ذهن آدمی و منجر به «دانستن».	Flavell, 1985	
اعتماد	فرایندهای روانی ذهن آدمی در شناخت، شامل یادآوری، ارتباط دادن، طبقه‌بندی کردن، نمادسازی، تجسم یا تصور، حل مسئله و تخیل	محسنی، ۱۳۸۲	
	اعتماد، تمایل طرف ارتباط دهنده برای انجام داوطلبانه برخی اقدامات، با انتظار پاسخ طرف مقابل بدون نظارت و کنترل در شرایط مناسب، با ایجاد حس امنیت	Mayer, Davis & Schoorman	براساس نظریه مازلو، معتبرترین الگوی نیاز انسانی، نیاز به عشق و صمیمیت و تعلق پذیری، بعد از پاسخ نیاز ایمنی و حس اعتماد در افراد؛ در نتیجه: حس اعتماد، مؤلفه و نیازی برای روابط دوستانه و صمیمیت میان افراد
	اعتماد موجب تسهیل روابط، کاهش تعارض و مبادله رضایتبخش	Ghoshal & Tsai Lilly & Porter, Barclay& Smith	
	اعتماد بر دو نوع اعتماد شناخت محور و اعتماد عاطفه محور: ارجحیت آشنایی و شناخت نسبت به	McAlister	

اعتماد در روابط

حس راحتی از طریق تاثیرگذاری در ویژگی ها و فعالیت های فردی و گروهی و تاثیرات جوی و پیرامونی در افراد	پرتوی و شجاعی، ۱۳۹۴	طبق تعاریف، درک حس راحتی توسط انسان، سبب بازخورد لازم برای هدایت رفتار و شکل دادن ظرفیت احساسات و ایجاد صمیمیت و دل بستگی در ایجاد روابط می شود؛ در نتیجه: مقوله راحتی و آرامش درونی و محیطی، با اثرگذاری مثبت در شکل گیری تعاملات و صمیمیت
تردید و حس تقید در افراد در موقعیت های اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی جدید و کوچک تر شدن دایره راحتی	Brené Brown	
به دست آوردن انگیزه ی بیشتر برای ارتباط، با ایجاد محیطی با متعادل ترین میزان راحتی برای بیشترین سطح بازدهی	Daniel H. Pink	

نتیجه	منبع	معانی
	لغت نامه دهخدا	[ص می می ی] (ع مص جعلی ، امص) یگانگی. یک رنگی. یک دلی.
	فرهنگ فارسی عمید	یگانگی، یک رنگی، یک دلی
	به عربی	صمیمیت: اخلاص ، الفه ، ولاء- صمیمیت وهمدلی: مشارکه- از روی صمیمیت: صادق
	مترادف	ارادت، خلوص، دوستی، محبت، مودت، وداد، وفا، یکدلی، یکرنگی، یگانگی
	برابر پارسی	یکرنگی، یگانگی، بی آلاشی، پاکدلی، خودمانی
	متضاد	دورنگی، دورویی
		Intimacy (اصلی ترین عبارت معادل صمیمیت): صمیمیت، دوستی، نزدیک، شخصی،
	به انگلیسی- فرهنگ	آشنایی، محرمیت
	فارسی آکسفورد	Devotion: هوا خواهی، سرسپردگی، وقف، فداکاری، دل بستگی (devoted: صمیمی، صادق)
		Cordiality: دوستی، صمیمیت، مودت قلبی
		Confidence: اطمینان ، اعتماد ، قوت قلب، جرئت، رازگویی
		Sincerity: خلوص، صداقت

صمیمیت فضا

در فضا نسبت داد. آشنا نبودن فضا و عدم

ارتباط و تعلق به آن، باعث ایجاد حس

تقید در انسان خواهد شد و در ذهن، روان

و روابط انسان تأثیر مثبتی نخواهد گذاشت.

مفهوم صمیمیت، یعنی آشنایی، صمیمیت

در یک فضا را می توان به آشنا بودن و

ماندگاری یک خاطره یا یک حس خوب

روزانه هستند. در این راستا، بنابر گفته لنگ، «فضای شهری را می توان بخشی از فضای باز و عمومی شهری دانست که به نوعی تبلور ماهیت زندگی اجتماعی است و فضاهای شهری به عنوان عرصه تعامل متقابل انسان ها، داستان زندگی جمعی در آن گشوده می شود. فضایی که همه مردم می توانند در آن حضور یابند و به فعالیت بپردازند. (Lang, 1987, 97) «حضور افراد در فضاهای شهری زمینه ایجاد ارتباط و تعامل میان آن ها را فراهم می کند.

فضاهای شهری دارای سه شاخص اصلی هستند: «عمومی بودن»، «باز بودن» و «بستر تعاملات اجتماعی» (پاکزاد، ۱۳۸۴). هالپرین فضاهای باز شهری را به دو دسته تقسیم می کند: نخست فضاهای باز همگانی که خیابان، میدان و پارک ها را در بر می گیرد و سپس فضاهای زندگی خصوصی که در بردارنده حیاط های کوچک و محوطه های باز خصوصی است. (Halprin, L. 1972) فضاهای شهری عمومی، علاوه بر معنادار بودن (برقراری ارتباطات قوی بین مکان زندگی خصوصی خود و فضای بزرگ تر) و

اگر فضایی برای انسان صمیمی نباشد، باعث ایجاد حس تکلف شده و رفتار پرتکلف در فضا باعث کاهش گرایش و سپس ماندگاری انسان در فضا خواهد شد. با توجه به این که هدف پژوهش، تعریف مؤلفه ای جدید برای طراحی معماری، به ویژه معماری فضاهای جمعی در راستای ایجاد کیفیت و رضایت مخاطبان است، فضای جمعی فضایی است که به دنبال حضور حداکثری انسان ها و ایجاد تعامل و ارتباط میان آن ها است. فضای صمیمی منجر به دوام و گرایش افراد برای ماندن در فضاهای جمعی خواهد شد. با این نگرش، در ادامه جایگاه صمیمیت فضا در فضاهای شهری به عنوان گونه ای بارز از فضای جمعی بررسی می شود.

فضای شهری و صمیمیت فضا

شهرها به عنوان یکی از مهم ترین دستاوردهای تمدن بشری، نقش بسیار مهمی در توسعه جوامع دارند. فضای شهری مهم ترین مرکز ادراکات اشتراکی آدمی در آن ها تلقی می شود (رضوانی، ۱۳۹۵، ۶۲). این فضاها، مکان هایی برای خرید و گردش یا در مسیر رفت و آمد

دموکراتیک بودن (حفظ حقوق تمامی استفاده کنندگان و قابلیت دسترسی فضا برای همه گروه ها و آزادی در عمل)، باید پاسخگو نیز باشند؛ بدین معنا که بر اساس نیازهای استفاده کنندگان طراحی و مدیریت شوند. این فضاها باید پنج نیاز اولیه را پاسخگو باشند: راحتی، آسایش، درگیر شدن غیرفعال با محیط، درگیر شدن فعالانه با محیط و امکان کشف محیط. غالباً فضاهای خوب بیش از یک نیاز را پاسخگو هستند (کارمونا و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۲۷-۳۲۸).

بر اساس هرم مازلو، نیاز برقراری روابط اجتماعی، ناشی از نیاز جسمی، نیاز به ایمنی و اطمینان، نیاز به روابط اجتماعی، نیاز به احترام و منزلت و تأیید و تشویق است (گیدنز، ۱۳۷۳، ۱۰۹). از سویی، فضای شهری به دلیل توان بالای آن در انواع مبادلات کالا، اطلاعات و اخبار، امکان گسترش روابط اجتماعی و برخوردهای رودررو را تسهیل می نماید؛ همچنین گسترش روابط اجتماعی موجب تقویت حس اعتماد گشته و بر امنیت و منزلت اجتماعی می افزاید. از این رو،

«مامفورد» عملکرد اصلی فضای شهری را شکل جمعی دادن به شهر می داند (قلمبر دزفولی و نقی زاده، ۱۳۹۳، ۱۷)، که «مارتن بوپر» آن را به درستی رابطه بین من و تو نامیده است. عملکردی که امکان گردهمایی های بسیار و ملاقات های متعدد را فراهم کرده است، عملکرد اجتماعی فضاهای آزاد شهری تجمع افراد را ممکن می سازد (شوای، ۱۳۷۵، ۳۶۴). بدین گونه، به دلیل ماهیت فضاهای شهری در برقراری ارتباطات و شکل جمعی دادن به آن، صمیمیت فضا را می توان به عنوان مبنا برای ایجاد حس آشنایی، اعتماد و راحتی در شکل گیری روابط، که از سه عامل اصلی در روابط انسان ها است، ضروری دانست و به دنبال مؤلفه های متناظر صمیمیت در فضا بود

مؤلفه های صمیمیت فضا

برای ایجاد حس صمیمیت در فضاهای شهری باید مؤلفه ها و شاخص های آن را در فضا بررسی کرد؛ که متناظر با مؤلفه های صمیمیت در روابط انسانی بوده و بر اساس این مؤلفه ها موضوع صمیمیت در فضا قابل تبیین و سنجش باشد. حس

دارم»، یعنی «من جای خود را در اینجا پیدا کرده‌ام» (Chow, 2007). «مجموعه‌ای از حکایات و روایت‌های فردی و جمعی که توأم با مکان رخ می‌دهند، در ایجاد تعلقات اجتماعی به مکان مؤثرند (حبیبی، ۱۳۷۸، ۲۰).

بر اساس تجربه‌های انسان از نشانه‌ها، معانی و عملکردها و امکان رخداد یک رابطه اجتماعی و تجربه مشترک میان افراد، تعلق‌پذیری به فضا شکل می‌گیرد و از طریق پیوند با مکان، فرد خود را جزئی از مکان می‌داند (پاکزاد، ۱۳۸۸، ۳۱۹). فرایندی که در ایجاد تعلقات روحی روانی نسبت به محیط ایجاد می‌گردد، از جنس آشنایی، احساس، هیجان و خاطره است (Cross, 2005). عنوان بخشی از شخصیت وجودی هر انسان، منجر به حس آشنایی و خودهمانی با فضا می‌شود؛ که نقطه تلاقی ارتباط فرد با مکان و صمیمیت فضا با فرد است و موجب تبدیل فضا به مکانی با ویژگی‌های حسی و رفتاری خاص برای افراد و دلبستگی می‌شود.

آشنایی، اعتماد و راحتی در شکل‌گیری روابط، جزء سه عامل مهم در صمیمیت است. بر طبق تعاریفی که در ادامه بررسی می‌شود، مؤلفه تعلق‌پذیری متناظر با آشنایی، خوانایی متناظر با اعتماد و راحتی و دنجی متناظر با مؤلفه راحتی برای القای حس صمیمیت میان انسان با فضا ارائه می‌گردد.

تعلق‌پذیری^۱

تعلق‌پذیری به فضا یا گروه و نهادی خاص از نیازهای اساسی انسان است و افراد از طریق تعامل با دیگران، به حس تعلق اجتماعی دست می‌یابند. کارپا و استیندل راست حس تعلق را این‌گونه تعریف می‌کنند: «تعلق دو بعد دارد: وقتی می‌گویم "آن مال من است"، یعنی مالک آن منم؛ ولی وقتی می‌گویم "تعلق دارم"، بدین معنی است که من در واقعیتی فزاتر از خودم درگیر شده‌ام (Steindl-Rust, 1991) و Carpa, 1991 و به نقل از مبارکی و صلاحی، ۱۳۹۱، ۲۸۰. (این واقعیت ممکن است رابطه‌ای بین فرد و دیگری، محله، مذهب یا کل دنیا باشد. پس «من تعلق

1. Sense of belonging

دلبستگی به مکان از مجموع الگوهای ذهنی افراد و ویژگی های محیطی تشکیل شده است و از فردی به فرد دیگر متفاوت است (Riley, 1992) و همان گونه که با طولانی شدن مدت حضور در یک محل افزایش می یابد، به تعامل فرد با دیگران در آن مکان نیز بستگی دارد (Relph, 1976, ۳۳). (به این ترتیب، حضور افرادی با خصوصیات مشابه نظیر قوم، مذهب، طبقه اجتماعی یا اقتصادی و تحصیلات برای یافتن نقطه اشتراکی برای تعامل، در تداوم زمانی حضور فرد در مکان نقش بسزایی دارد (سجادزاده، ۱۳۹۲، ۷۱). این احساس مثبت از تعاملات و ارتباطات اجتماعی، دل بریدن از مکان مورد نظر را سخت می کند (Fried, 1963).

فضاهای جمعی دارای ویژگی هایی است که می تواند امکان دلبستگی به مکان را محقق سازد (باقری و شاهرودی، ۱۳۹۳، ۶۴). بنابراین تعلق و دلبستگی، که به واسطه حس فضایی آن مکان میسر می شود، فرد را راغب به ماندن و ارتباط با

مکان می کند و فرایندهای روانی شناخت و آشنایی، همچون تجربه، یادآوری، خیال و تصور، در حس تعلق به فضا نیز تأثیرگذار بوده و حس آشنایی، از مؤلفه های صمیمیت، نقطه تلاقی عناصر کالبدی، فعالیت ها و مفاهیم ذهنی نسبت به مکان، موجب ارتباط عمیق با فضا و تعلق پذیری و در نهایت صمیمیت فضا می شود.

خوانایی^۱

افراد با حضور در فضاهای متفاوت، پیام های متفاوتی دریافت می کنند و این پیام ها برای برقراری ارتباط با فضا باید قابل درک و خوانا باشند. فضای خوانا با تعبیری نظیر فضای ساده، منسجم، قابل فهم و درک تعبیر می شود (Koseoglo & Onder, 2011). (خوانایی فضا نیاز افراد به ایمنی، زیبایی شناسی و مسیریابی را برطرف می سازد (Eraydin, 2007). آنچه در یک فضای شهری اهمیت می یابد، حضور افراد و ایجاد ارتباط میان آنهاست. طبق تعریف لینچ، خوانایی

محیط، نتایج منفی در ارتباط با فضا را به حداقل می‌رساند و باعث ایجاد حس ایمنی و امنیت به دلیل ایجاد تصور و تخیل از فضا می‌شود. فرد به دلیل توانایی در شناخت و قرائت موقعیتش، به فضا اعتماد کرده و دستیابی به حس اعتماد، که از مؤلفه‌های صمیمیت است، موجب ارتباط با فضا و بروز حس صمیمیت فضا می‌شود.

راحتی و دنجی^۱

در کنار تعلق‌پذیری و خوانایی، راحتی نیز در فضاهای شهری نقش مستقیمی در میزان استفاده از آن‌ها، رفتار و نوع حضور افراد دارد. به گفته کرمونا (۲۰۰۷)، «تا وقتی فضا راحت نباشد، بعید است مورد استفاده قرار گیرد» و اگر هم مورد استفاده واقع شود، صرفاً برای عبور و مرور است، نه حضور طولانی‌مدت. احساس رضایت و راحتی حاصل از هماهنگی جنبه‌های فیزیولوژیکی، روان‌شناختی و کالبدی انسان و محیط اطرافش و آسایش محیطی است که طیف وسیعی از شرایط آسایش حرارتی، صوتی، بصری، بویایی و کیفیت هوا تا زیبایی را شامل می‌گردد (ضابطیان

می‌تواند شخصیت (هویت)، ساختار و معنای محیط را ارتقا دهد؛ از این رو می‌تواند برای خاطرات مشترک و ارتباطات دسته‌جمعی، ماده خام فراهم آورد (لینچ، ۱۳۸۳، ۱۵). مفهوم خوانایی این است که به آسانی اجزای شهری را بتوان شناخت و آن‌ها را در ذهن، در قالبی به هم پیوسته به یکدیگر مرتبط کرد (لینچ، ۱۳۸۳، ۱۲). شهرهایی که از ویژگی خوانایی برخوردارند، شهروندانشان از حضور در فضاهای شهری احساس امنیت و آرامش می‌کنند (محمودی بختیاری و ربانی، ۱۳۹۶، ۸۵). در واقع می‌توان گفت برخورداری فضاهای شهری از ویژگی خوانایی، به درک آسان فضا توسط افراد می‌انجامد.

ادراک محیط حاصل از خوانایی، موجب ساختن تصویر منسجم از فضا در ذهن انسان می‌شود. تصویری نیکو از محیط، به شخص نوعی احساس امنیت می‌دهد. وی می‌تواند رابطه‌ای موزون بین خود و جهان خارج به وجود آورد (لینچ، ۱۳۸۳، ۱۶). راهیابی آسان و قرائت سهل

1. comfort and cozy

و خیرالدین، ۱۳۹۷، ۸۲). میزان موفقیت
 فضا در پاسخ مثبت به طیف آسایش انسان،
 بر میزان حضور فرد در فضا اثر می گذارد
 و عدم احساس راحتی و دنجی در فضا
 مانع ارتباط و حضور در فضا می شود.
 طبق هرم مازلو نیز، وجود شرایطی که
 در آن بدن انسان از لحاظ فیزیکی احساس
 آسایش داشته باشد، از نیازهای اولیه افراد
 است. حصول آسایش چندبعدی است؛
 شامل ابعاد فیزیکی، ادراکی، روانی یا
 ترکیبی از این موارد است و به حصول
 رضایت و خوشایندی همه ابعاد در محیط
 مرتبط است (قره بگلو، ملکی و تخمچیان،
 ۱۳۹۶، ۲). علاوه بر تأمین شرایط محیطی
 مناسب برای حصول آسایش، فضاهای
 شهری مطلوب به عنوان فعالیت های پایه،
 فرصت های شنیدن، دیدن و صحبت کردن
 را برای مردم فراهم می آورند تا محیط
 حالت دعوت کنندگی داشته باشد
 (شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۴، ۹۸). سه کیفیت
 در فضاهای عمومی به ترتیب عبارتند از:

حفاظت، راحتی، لذت بردن (Gehl, 2002). بنابراین طبق تعاریف، دستیابی به
 آسایش نیز برای ارتباط با فضا و انسان ها
 منجر به حصول راحتی خواهد شد.
 فراهم سازی شرایط راحتی، از مؤلفه های
 صمیمیت، به لحاظ محیطی و کارکردی
 در فضاها، منجر به توقف، تعامل و گفتگو
 و در نهایت ارتباط افراد با سایر انسان ها و
 فضا می شود و همین امر زمینه را در القای
 حس صمیمیت فضا فراهم می سازد. با
 توجه به تعاریف ارائه شده از مؤلفه های
 صمیمیت و صمیمیت فضا، ارتباط و قرابت
 هریک از مؤلفه ها تدقیق شد و بر این
 اساس مفاهیم تعلق پذیری و خوانایی و
 راحتی به عنوان مؤلفه های صمیمیت فضا
 در ایجاد حس همبستگی و تعامل افراد با
 فضا و عامل دوام حضور آن ها معرفی
 می گردد. طبق نتایجی که در جدول ۳ ارائه
 شده، به ارتباط میان مؤلفه ها با مفهوم
 صمیمیت فضا و رابطه مؤلفه ها با هم دیگر
 اشاره شده است.

جدول ۳- نظریه ها و تعاریف مرتبط با مؤلفه های صمیمیت فضا در فضای شهری و ارتباطشان با دیگر مؤلفه ها. مأخذ: نگارندگان

مؤلفه ها	توضیحات- تعاریف و نظریه های مرتبط با مؤلفه های صمیمیت فضا	منبع	ارتباط مؤلفه ها با صمیمیت فضا (وجه تشابه آن ها با مؤلفه های صمیمیت)
تعلق پذیری (آشنایی)	تعلق یعنی درگیر شدن در واقعیتی فراتر از خود در رابطه ای بین فرد و دیگری، محله، مذهب یا کل دنیا	کارپا و استیندل راست (۱۹۹۱)	طبق تعاریف، فرآیندهای روانی شناخت و آشنایی، همچون تجربه، یادآوری، خیال و تصور، همسو با فرایندهای حس تعلق به فضا؛ در نتیجه: حس آشنایی، از مؤلفه های صمیمیت، نقطه تلاقی عناصر کالبدی، فعالیت ها و مفاهیم ذهنی نسبت به مکان، موجب ارتباط عمیق با فضا و ایجاد حس تعلق و در نهایت صمیمیت فضا
	مجموعه ای حکایات و روایت های فردی و جمعی توأم با مکان. تاثیر گذار بر تعلقات اجتماعی	حبیبی، ۲۰: ۱۳۷۸	
	احساس تعلق و دلبستگی به دلیل امکان رخداد یک رابطه اجتماعی و تجربه مشترک میان افراد.	پاکزاد، ۱۳۸۸: ۳۱۹	
	فرایند ایجاد تعلقات روحی روانی نسبت به محیط، از جنس آشنایی، احساس، هیجان و خاطره	Cross, 2005	
	خوانایی فضا در پاسخدهی به نیاز ایمنی، زیبایی شناختی و مسیریابی	Eraydin, 2007	به حداقل رساندن نتایج منفی در ارتباط با فضا، با راهیابی آسان و قرائت سهل محیط حاصل از خوانایی همسو با ایجاد حس ایمنی و امنیت به دلیل ایجاد تصور و تخیل از فضا؛ در نتیجه: توانایی در شناخت و قرائت موقعیت، سبب اعتماد به فضا و دستیابی به حس اعتماد، از مؤلفه های صمیمیت، موجب ارتباط
خوانایی (اعتماد)	کیفیتی از محیط در دو سطح فرم کالبدی و الگوی فعالیت خوانایی، در ارتقای شخصیت (هویت)، ساختار و معنای محیط پیرامون	Bentley, 2003	
	فضای خوانا با تعبیری نظیر فضای ساده، منسجم، قابل فهم و درک احساس امنیت و آرامش در شهر با ویژگی های خوانایی، در تحقق سرزندگی فضای شهرها	لینچ، ۱۳۸۳	
		Koseoglu & Onder, 2011	

عمیق با فضا و ایجاد صمیمیت فضا			
حصول راحتی با دستیابی به آسایش روانی و فیزیکی، برای ارتباط با فضا همسو با راحتی در ارتباطات؛ در نتیجه: فراهم سازی شرایط راحتی، از مؤلفه های صمیمیت، از لحاظ محیطی و کارکردی در فضاها، منجر به توقف و تعامل و گفتگو و در نهایت ارتباط افراد با فضا و ایجاد زمینه مناسب برای صمیمیت و القای حس صمیمیت فضا	Gehl,2002 کرمونا-۲۰۰۷ قره بگلو و همکاران، ۱۳۹۶ مظفری، ۱۳۹۶ شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۴	سه کیفیت در فضای عمومی: حفاظت، راحتی، لذت بردن فضای راحت دلیل بر استفاده از آن و حضور طولانی مدت حصول آسایش چند بعدی؛ در برخی موارد فیزیکی، ادراکی، روانی و یا ترکیبی از این موارد آسایش از نظر لغوی و ظاهری، به معنی آسودن و راحتی فیزیکی فضاهای شهری مطلوب و راحت، با فرصت های شنیدن، دیدن و صحبت کردن برای مردم	دنجی-راحتی (راحتی)

بحث

مفاهیم متعلق به فضا، ساختاری کلی و چندبعدی هستند که تحت تأثیر مؤلفه های متعددی قرار دارند که در نهایت در صورت درک، به رضایت مندی منجر می شوند. در حس مکان از دیدگاه روان شناسی محیطی، انسان ها به تجربه حسی و عاطفی خاص نسبت به محیط زندگی نیاز دارند. این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی هم ذات پنداری با

بسیاری از تحقیقات در حوزه کیفیت و دریافت های حسی فضا نشان داد که ابعاد کیفی فضاها، شهری از نقطه نظرات مختلف مورد توجه واقع شده و در این خصوص مفاهیمی چون هویت فضا، روح مکان و حس مکان در سال های اخیر از سوی صاحب نظران مطرح شده است. این

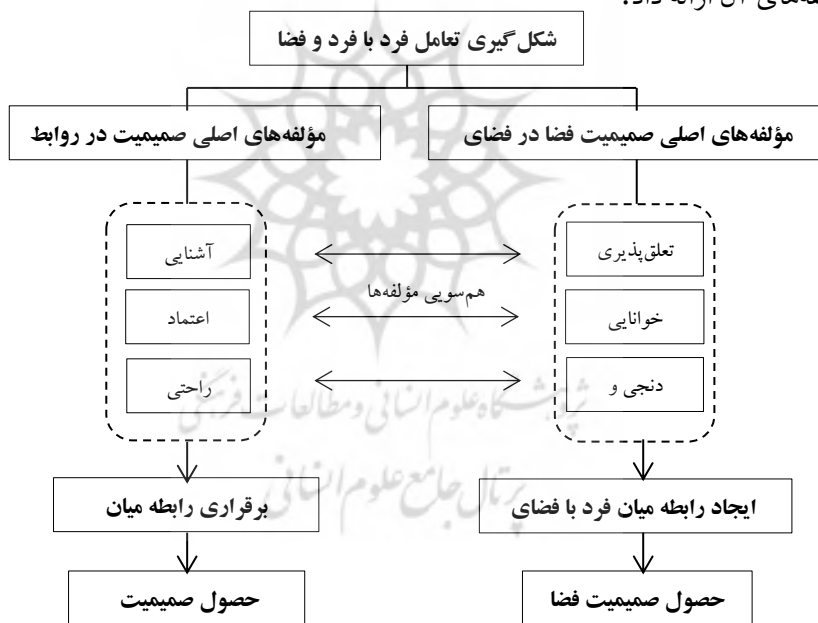
نشان از هم‌سویی مؤلفه‌های صمیمیت با مؤلفه‌های صمیمیت فضا دارد. همچنین لازمه شکل‌گیری صمیمیت بر پایه سه معیار آشنایی، اعتماد و راحتی است. به تناظر همین مفاهیم برای ایجاد تعامل میان فرد با مکان، سه مؤلفه تعلق‌پذیری، خوانایی و راحتی و دنجی، به هدف فضاهای جمعی که حضور، ماندن و شکل‌گیری تعاملات است، می‌رساند.

اما آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، در حوزه فضای شهری است. بررسی ادبیات و ویژگی‌های یک فضای شهری و عمومی، حاکی از آن بود که در برقراری ارتباط و تعامل میان افراد و با مکان، دسترسی آسان برای همه و حضور افراد در فضاهای شهری زمینه ایجاد ارتباط و تعامل میان‌شان را فراهم می‌کند. بر این اساس، فضای شهری عرصه تعامل متقابل انسان‌ها و به نوعی تبلور ماهیت زندگی اجتماعی است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می‌شود. فضایی که همه مردم می‌توانند در آن حضور یابند؛ چراکه عملکرد اصلی فضای شهری شکل جمعی دادن به شهر است. بدین‌گونه

مکان، هم‌سو با هدف مؤلفه صمیمیت فضا، قابل تحقق است. چراکه روند تجربه عمیق مکان نه به عنوان یک شیء، بلکه به عنوان یک ارگانیزم زنده، بعد از انطباق‌های متقابل پی‌درپی با صمیمیت فضا محقق می‌شود. از این رو روابط بین افراد و مکان‌ها نیازمند ثبات خاص و مؤلفه‌هایی در فضا است. مطابق فرضیه پژوهش، مؤلفه‌های صمیمیت فضا به طور کلی از مؤلفه‌های صمیمیت قابل تعریف بوده و صمیمیت به گفته دالایی (۱۳۸۷)، نه فقط میل به در میان گذاشتن درونی‌ترین خود انسان با دیگران و تجربه ارتباط، بلکه ارتباط با اشیاء، درختان و حتی فضا را نیز در بر می‌گیرد؛ بر طبق این تعریف، مفهوم صمیمیت در فضا شکل می‌گیرد.

با در نظر گرفتن نظریه‌های روان‌شناسی و هرم نیازهای اساسی مازلو، نیاز و اساس صمیمیت بر راحتی، اعتماد و آشنایی است و تا این نیازها پاسخ داده نشود، دوستی و رابطه عمیق میان افراد حاصل نخواهد شد. نتایج حاصل از نظریه‌ها و دیدگاه‌ها در جداول ۱ و ۳،

می توان به دلیل ماهیت فضاهای شهری در برقراری ارتباطات و شکل جمعی دادن به آن، صمیمیت فضا را به عنوان مبنا و مفهومی جدید برای ایجاد حس امنیت، اعتماد و راحتی در شکل گیری روابط در فضاهای شهری ضروری دانست. بر این مبنا، تصویر ۳ می توان به عنوان مدلی از صمیمیت فضا در فضاهای جمعی شهری و هم سویی آن ها بر مبنای صمیمیت و مؤلفه های آن ارائه داد.



تصویر ۳- مدل حصول صمیمیت فضا در فضاهای شهری در شکل گیری تعاملات و هم سویی آن ها با مؤلفه های صمیمیت.
مأخذ: نگارندگان

نتیجه گیری

ترتیب بیشترین تأثیر را در ایجاد این حس دارند. بر این مبنای، با کنکاش در ادبیات متناظر در حوزه معماری و به ویژه نظریه حس مکان و بررسی تطبیقی آن با مفاهیم به دست آمده در حوزه روان شناسی، "صمیمیت فضا" حاصل ارتباطی عمیق است که میان فضا با انسان شکل می گیرد و وجود آن به عنوان یک نیاز زیستی باعث کیفیت بخشی به فضای معماری می گردد .

بر اساس یافته های حاضر، صمیمیت فضا به واسطه مؤلفه های "دنجی و آسایش"، "حس تعلق" و "خوانایی"، که مفاهیمی شناخته شده در ادبیات معماری هستند، قابل حصول است و راهکارهای مبتنی بر این مفاهیم می توانند به عمق بخشی ارتباط کیفی انسان و محیط و مطلوبیت محیط برای زیست انسان منجر شوند .

پژوهش های بعدی که در راستای پژوهش حاضر انجام خواهد شد، می توانند به بررسی دقیق و عمیق تر میان صمیمیت فضا و حس مکان و

با توجه به دگرگونی های دنیای ارتباطات، توجه به نیاز شهروندان و رضایت از فضاهای شهری از عناصر اصلی تعاملات اجتماعی است. لیکن در سال های اخیر، ارتباط میان انسان ها از طریق فضای مجازی به سرعت در حال گسترش بوده و این موضوع موجب از میان رفتن پیوند فیزیکی اجتماعی می شود. لذا توجه به این پیوند به صورت افزایش تعامل فیزیکی و حقیقی ارتباطات در عصر حاضر و برقراری ارتباط با دیگران، بدون توسعه کیفی فضاهای جمعی و توجه به ویژگی های آن، غیرممکن است. بر این اساس، در پژوهش حاضر سعی شد تا با بهره گیری از روش شناسی کیفی به توصیف، تحلیل و در نهایت ارائه نظریه پرداخته شود .

بر این اساس مشخص شد که حس "صمیمیت" در ادبیات ارتباطات جمعی و تعاملات اجتماعی امری مقبول و تعریف شده است و سه متغیر "آشنایی"، "اعتماد" و "راحتی" به

ویژگی های معنایی، فعالیتی و کالبدی صمیمیت فضا پردازند.

ملاحظات اخلاقی:

حامی مالی: این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان های تأمین مالی دریافت نکرده است.

تعارض منافع: طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

برگرفته از پایان نامه / رساله: این مقاله مستخرج از پایان نامه خانم مهدیه هاشمی با عنوان «با عنوان طراحی فضای جمعی در راستای تجدید حیات شهری زنجان با نگرش "صمیمیت فضا" با راهنمایی دکتر مهرداد سلطانی است.



منابع

- جامع روان‌شناسی روان‌پزشکی، تهران: فرهنگ معاصر، ج ۱.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۷). فضای شهری، حیات‌واقعه‌ای و خاطره‌جمعی. مجله صفا، پائیز و زمستان.
- حسینی، بهزاد. (۱۳۹۶). نقش دایره راحتی در موفقیت. کتاب الکترونیکی. تاریخ مراجعه: ۱۳۹۸/۰۷/۱۵. قابل دسترس در: <http://bestlife20.ir/>
- دالایی، لا‌ما و هوارد. سی. کاتلر. (۱۳۸۷). هنر شادمانگی (ترجمه تینا حمیدی و نغمه میزانیان)، ج سوم، تهران: قطره.
- دالایی لا‌ما. (۱۳۸۴) ب، کتاب عشق و همدردی (ترجمه میترا کیوان مهر)، تهران: علم.
- رضوانی، علیرضا. (۱۳۹۵)، روح شهر، بازتعریفی از شهر، فضای شهری و تعیین شاخص‌های روح‌بخش، فصلنامه معماری سبز، سال دوم، شماره چار، ۷۹-۵۵.
- سجاذزاده، حسن. (۱۳۹۲). نقش دلبستگی به مکان در هویت بخشی به میدان‌های شهری (نمونه موردی: میدان آرامگاه شهر همدان). مجله باغ نظر، شماره ۲۵، سال دهم، ۷۹-۸۸.
- شجاعی، دلارام و پرتوی پروین. (۱۳۹۴).
- آذربایجانی، مسعود و فیضی، مجتبی. (۱۳۹۳). نقد و بررسی سبک زندگی از منظر دالایی لا‌ما. نشریه معرفت ادیان، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۳، ۱۳۶-۱۱۱.
- باقری، ابراهیم. (۱۳۹۱). مفاهیم کاربردی - در طراحی احساس گرا، نشریه هنرهای زیبا، ۵۰، ۶۰-۵۱.
- باقری، سیده مهسا و شاهرودی، عباسعلی. (۱۳۹۳). ارزیابی و مداخله‌ترجیحات احساسی کاربران در فضای جمعی. مجله روانشناسی معاصر، ۲، ۷۶-۶۳.
- بهرام‌پور، عطیه و مدیری، آتوسا. (۱۳۹۴). مطالعه رابطه میان رضایتمندی ساکنان از محیط زندگی و میزان حس تعلق آنها در مجتمع مسکونی بلندمرتبه شهرک کوثر تهران. هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، ۲۰(۳). ۸۵-۹۴.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۴). راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران. وزارت مسکن و شهرسازی. تهران، چاپ اول.
- پاکزاد جهان‌شاه. (۱۳۸۸). سیراندیشه‌ها در شهرسازی ۳، تهران: انتشارات شهیدی.
- پورافکاری، نصرت‌الله. (۱۳۸۰). فرهنگ

- عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری
در فضاهای عمومی با مقیاس‌های مختلف
شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی
دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران)،
نشریه باغ نظر، ۱۲ (۲۴)، ۱۰۸-۹۳.
- شجاعی، محمدصادق. (۱۳۸۶)، نگاهی به
شناخت از منظر فلسفه، روان‌شناسی و
اسلام، معرفت، شماره ۱۱۹.
- شوای، فرانسوا (۱۳۷۵)، شهرسازی،
تخیلات و واقعیات. (ترجمه سید محسن
طیّبی). تهران: موسسه انتشارات و چاپ
دانشگاه تهران.
- ضابطیان، الهام و خیرالدین، رضا. (۱۳۹۷).
مدل سلسله مراتبی ارزیابی سازگاری
روانی در جهت نیل به آسایش حرارتی و
حس مکان در فضاهای شهری، نشریه
مطالعات شهری، شماره ۹۰، ۲۸-۷۹.
- فلاحت، محمدصادق. (۱۳۸۵)، مفهوم
حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن،
نشریه هنرهای زیبا، شماره ۶۶، ۲۶-۵۷.
- قره بگلو، مینو؛ ملکی، آیدا؛ تخمچیان،
علی. (۱۳۹۶). آسایش و بررسی تطبیقی
عوامل مؤثر در حصول آسایش کلی در
محیط‌های طبیعی شهری، سومین همایش
- ملی و بین‌المللی معماری، عمران و
شهرسازی در آغاز هزاره سوم، شهرپور
۱۳۹۶.
- قلمبردزفولی، مریم و نقی‌زاده، محمد.
(۱۳۹۳). طراحی فضای شهری به منظور
ارتقاء تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی:
بلوار بین محله‌ای)، نشریه هویت شهر،
۸ (۱۷)، ۵۵-۷۹.
- کارمونا، متیو و دیگران، (۱۳۹۱)، «مکان
های عمومی فضاهای شهری ابعاد
گوناگون طراحی شهری» (ترجمه فریبا
قرایی، مهشید شکوهی زهرا اهری،
اسماعیل صالحی)، تهران: انتشارات
دانشگاه هنر تهران
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی
(ترجمه منوچهر صبوری). تهران:
پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۳). سیمای شهر
(ترجمه منوچهر مزینی)، تهران:
دانشگاه تهران.
- مبارکی، محمد و صلاحی، سمیه. (۱۳۹۱).
کیفیت خدمات شهری، تعلقات شهروندی
و حس تعلق اجتماعی، فصلنامه علمی-
پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳ (۵۰). ۳۱۵-

- Environment, Behavior, and Design. New York: Plenum Press. ۲۷۵.
- مجیدی، مریم؛ منصوری، سیدامیر؛ صابر نژاد، ژاله و براتی، ناصر. (۱۳۹۸). نقش رویکرد منظرین در ارتقای رضایتمندی از محیط شهری. باغ نظر، ۱۶(۷۶)، ۴۵-۵۶.
 - محسنی، نیک چهر. (۱۳۸۲). نظریه ها در روان شناسی رشد، تهران: پردیس.
 - محمودی بختیاری، بهروز و ربانی، رویا. (۱۳۹۶). بازنمایی خوانایی شهرهای شمال در آثار اکبر رادی (مطالعه موردی: دو نمایشنامه روزنه آبی و پلکان)، نشریه هنرهای زیبا، ۲۲(۳)، ۸۳-۹۰.
 - نادى، محمدعلى و یارمحمدیان، محمدحسین. (۱۳۹۱). رابطه بین اعتماد و همانندسازی با اهداف بیمارستان با تلاش برای بهبود مداوم در گروه پرستاری بیمارستان های خصوصی شهر شیراز، مجله دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران (پیاورد سلامت)، ۶(۶)، ۴۴۵-۴۴۵.
 - Canter, D. (1971), The Psychology of place, The architectural press, London.
 - Canter, D. (1997). The facets of place. In E. H. Zube, G. T. Moore, (Eds), Advances in
- Environment, Behavior, and Design. New York: Plenum Press.
- Chow, H. (2007), Sense of Belonging and Life Satisfaction among Hong Kong Adolescent Immigrants in Canada; Journal of Ethnic and Migration Studies, 33(3), 511-520.
 - Cross, J. (2005). "What is Sense of Place", Research On Place & Space Website, 20Feb.
 - Daniel H. Pink (2009), Drive: The surprising Truth About What Motivates Us, Riverhead Books, USA.
 - Elder, G. H., Johnson, M. K., & Crosnoe, R. (2003). The emergence and development of life course theory. In J. T. Mortimer, & M. J. Shanahan (Eds.), Handbook of the life course (pp. 3-20). New York: Kluwer Academic/Plenum Publishers.
 - Eraydin Z (2007). Building a legible city: how far planning is successful in Ankara, a thesis submitted for degree of master of science, urban design, city and regional planning of middle east technical university.

- Place Attachment. Edited by Altman, I. & Low, S. M. , New York: Plenum Press.
- Shin, J. (2016). Toward a theory of environmental satisfaction and human comfort: A process-oriented and contextually sensitive theoretical framework. *Journal of Environmental Psychology*, 45, 11–21.
 - Worchell S. (1985), *Psychology of intergroup relations*. 2nd ed. Chicago: Nelson Hall; 1985: 7-24
 - Fried, M. (1963). Grieving for a lost home. In L. j. Duhl(Ed), *The urban condition: People and policy in the Metropolis*. New York: Simon and Schuster.
 - Gambetta D. (1989). Trust: Making and breaking cooperative relations. *The Economic Journal*; 99(394): 201.
 - Halprin, L. (1972) *Cities*, Massachusetts, the MIT Press.
 - Koseoglu E, Onder DE (2011). Subjective and objective dimensions of spatial legibility, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Vol. 30, 1191-1195.
 - Lang, J. (1987). *Creating architectural theory: The role of the behavioral sciences in environmental design*. New Yourk: Van Nostrand Reinhold.
 - Mc Allister DJ. (1995) Affect and cognition based trust as foundations for interpersonal cooperation in organizations. *Academy of Management Journal*; 38(1): 24-59.
 - Relph, E. (1976), *Place and placelessness*, pion, London.
 - Riley, R. (1992). Attachment to the Ordinary Landscape. In